

رشد و توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور در سطح ملی نیازمند بهره‌گیری و بهره‌برداری دقیق از همه امکانات و ذخائر و نیروهای مادی و معنوی می‌باشد.

سناریوهای متفاوت و گاه متضادی برای دستیابی به مقوله فوق طراحی گردیده، و هر نظریه در سطح وسیعی نیز انجام و پیگیری و اجرا شده است که بیانگر فعالیت مجددانه انسانها و گروههای اجتماعی و عقاید و گرایشات فکری مختلف جهت سیر به مراحل ترقی و تکامل جوامع می‌باشد. آنچه که در رشد و توسعه روستائی

شناسائی عوامل و عناصر اصلی و فرعی در شکل دادن به تاکتیکهای اجرایی موضوع می‌باشد.

در مجموعه این مطالعه سعی می‌گردد ضمن بیان مختصری پیرامون استراتژی رشد و توسعه روستائی به اهرمهای مناسب توسعه روستائی کشور در راستای عوامل زمینه‌ساز آن اشاره گردد. از آنجائیکه در پی طرح موضوع مشخص و بدون ابهامی از مقوله توسعه روستائی هستیم بنظر رسید تا چند محور اساسی از مقوله توسعه روستائی که تا حدودی موضوعات فوق را در بر می‌گیرد را شرح زیر مورد ملاحظه و مطالعه قرار دهیم:

۱- مهاجرت و توسعه

اجتماعی عقیده‌ای را نیز با برهم خوردن نظم سنتی اقتصاد ایجاد خواهد نمود.

لذا بررسی نظریات مهاجرت و توسعه می‌تواند زوایای مبهم سیاستی که تلویحاً توسعه شهری را در مقابل توسعه روستائی در کشورهای جهان سوم قرار داده و از آن دفاع میکند را تبیین نماید. بدین خاطر نظریه مهاجرت «لونیس» را مختصراً اشاراتی شرح زیر خواهیم داشت.

۱- نظریه مهاجرت و توسعه

تا چند سال قبل تصور می‌شد که مهاجرت از روستا به شهر و دیگر مهاجرت‌های داخلی فرایندی طبیعی است که کارگران اضافی بتدریج از بخش روستائی خارج و نیروی کار مورد نیاز برای رشد صنعتی شهری، تأمین می‌شود.

تصور این بود که این جریان از نظر اجتماعی مفید است، زیرا فرض می‌شد چون در کشاورزی و مناطق روستائی نوعی بیکاری مخفی وجود دارد و تولید نهایی^۱ اجتماعی این نیروها اغلب صفر است به مکانهایی که تولید نهایی آنها نه تنها مثبت بلکه در نتیجه تراکم سرمایه و پیشرفت تکنولوژی، بسرعت در حال رشد است جابجا می‌شود. و توجه اغلب اقتصاددانان معتقد به این نظریه، به سیاستهایی بود که نیروی کار را آزاد و جریان مهاجرت را افزایش دهد و همچنین آنها خروج نیروی کار کشاورزی را جهت افزایش بهره‌وری در این بخش مورد تأیید و تأکید قرار میدادند.

معروفترین مدل توسعه که حداقل بطور تلویحی جریان انتقال نیروی کار را از روستا بشهر مورد توجه قرار داده است توسط آرنولد لونیس مطرح شد و سپس این مدل را رانیس و نی تکمیل کردند. اهمیت این الگودر ارزش فکری آن نیست. بلکه ناشی از قدرت آن در توجیه تاریخ اقتصادی و توجیه چگونگی رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته است مدل لونیس در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ نظریه عمومی پذیرفته شده در جریان توسعه کشورهای جهان سوم، که نیروی کار اضافی داشتند، شد. برحسب مدل لونیس اقتصاد از دو بخش تشکیل میشود: (الف) بخش معیشتی روستائی که بازده تولیدی صفر یا بسیار پائین است، (ب) بخش صنعتی شهری نوین که دارای بازده تولیدی بالایی است و نیروی کار بتدریج از بخش معیشتی به آن منتقل می‌شود. تأکید اولیه مدل هم بر جریان انتقال نیروی

مقدمه ای بر توسعه روستائی

مهاجرت و توسعه

۲- ضرورت توسعه روستائی در ایران

۳- شناسائی عاملهای تعیین کننده در استراتژی توسعه روستائی

در بررسی محور اول، با بیان نظریه‌ای پیرامون مهاجرت و توسعه شهری، در پی تأمین این هدف خواهیم بود که بی‌توجهی به استراتژی توسعه روستائی در کشورهای جهان سوم سیاست مطلوبی در راستای توسعه ملی نخواهد بود، و مورد ملاحظه قرار ندادن روستا و روستائیان، نه تنها تخصیص بهینه عوامل تولید را در اقتصاد ملی بهمراه نخواهد آورد بلکه سبب اتلاف بخش عمده‌ای از ظرفیتهای تولیدی شده و مشکلات

می‌تواند مد نظر باشد، در ابتدا شناسایی هدف این استراتژی بلند مدت و سپس شناسایی زمینه‌های تحقق و حرکت نیروها و عاملهای شتاب دهنده خواهد بود.

استراتژی توسعه روستائی که نمائی مطلوب را از آینده مناطق و جوامع محروم روستائی کشور به تصویر می‌کشد قابل بحث و بررسی همه جانبه می‌باشد. و آنچه را که تحت عنوان توسعه روستائی مورد نظر قرار خواهیم داد عبارت از تبیین یک استراتژی کارا جهت تحقق رشد و توسعه جوامع و مناطق روستائی، و جستجو جهت یافتن شیوه‌های چگونگی انجام زمینه تحقق توسعه روستائی و

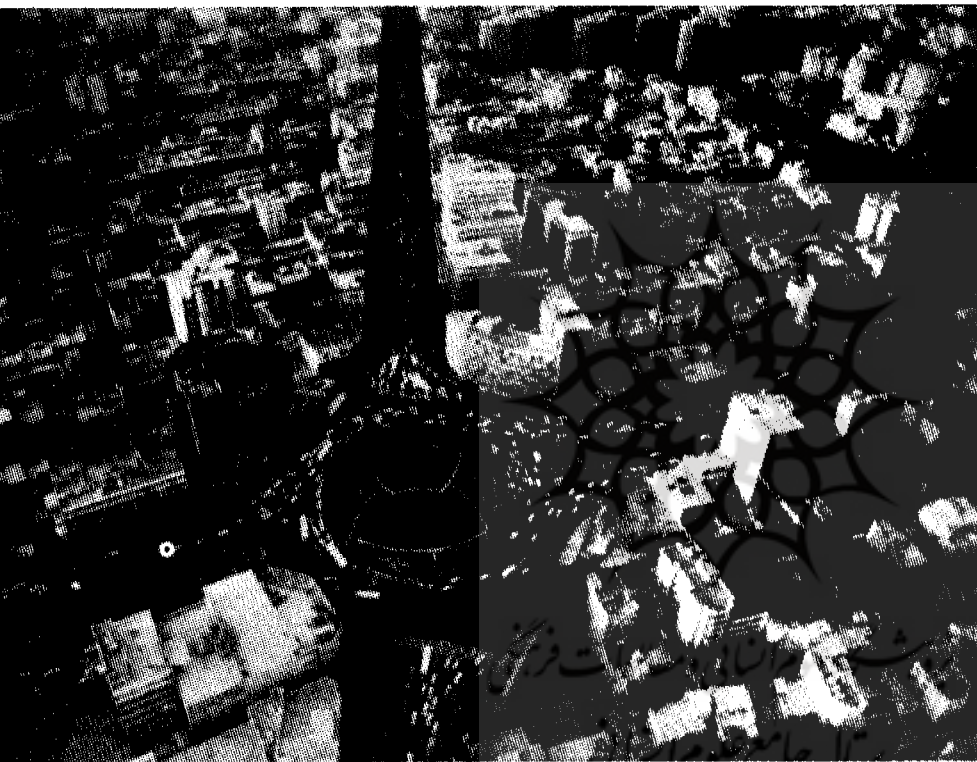
کار و هم بر رشد اشتغال در بخش نوین است. انتقال نیروی کار و رشد اشتغال شهری هر دو بوسیله گسترش تولید در بخش نوین فراهم می‌شود. سرعت انتقال نیروی کار و رشد اشتغال بوسیله نرخ تراکم سرمایه صنعتی در بخش نوین تعیین می‌شود. چنین سرمایه‌گذاری‌هایی بوسیله مازاد سود بخش نوین پس از پرداخت دستمزدها و براساس این فرض که سرمایه‌دار تمام سودش را مجدداً سرمایه‌گذاری می‌کند، امکان‌پذیر می‌شود. و بالاخره فرض میشود که سطح دستمزدها در بخش کشاورزی سنتی تعیین می‌شود. لویس فرض می‌کند که مزدهای شهری باید حداقل ۳۰ درصد از

سرمایه، توسعه بیشتر صنعت را بدنبال دارد و توسعه صنعت باعث جذب کارگران بیکار کشاورزی شده و این ماجرا تا آنجا ادامه دارد که بیکاری مخفی در کشاورزی از بین رفته و نتیجتاً بازده نیروی کار در هر دو بخش برابر می‌شود.

نقد نظریه مهاجرت و توسعه

اگر در گذشته توجه اقتصاددانان برآزادسازی نیروی انسانی از مناطق روستایی و تشویق مهاجرت به شهرها بود در مقابل این دیدگاه تجربه بسیاری از کشورهای جهان سوم بخوبی روشن ساخته است که آهنگ مهاجرت از روستا بشهر از

فرض بر اینست که سودهای اضافی حاصله توسط صاحبان سرمایه مجدداً سرمایه‌گذاری شده و مشاغل جدیدی ایجاد می‌کند حال اگر سرمایه‌گذارهای جدید آنطور که لویس فرض کرده بدلیل سرمایه‌بر بودن نوع تکنولوژی و یا غیره به تناسب قادر به جذب افزایش نیروی کار جدید نشود نیروهای مهاجر همچنان بصورت بالقوه بیکار، اینبار در شهرها سرگردان خواهند ماند. تجربه نیز نشان داده است که اگر چه در مواردی تولید کل بالا رفته اما کل مزد و اشتغال جدید ثابت مانده، و سود اضافی فقط عاید صاحبان سرمایه شده است.



*** اگر در گذشته توجه اقتصاددانان بر آزادسازی نیروی انسانی از مناطق روستایی و تشویق مهاجرت به شهرها بود در مقابل این دیدگاه، تجربه بسیاری از کشورهای جهان سوم بخوبی روشن ساخته است که آهنگ مهاجرت از روستا به شهر از آهنگ ایجاد مشاغل شهری فزونی یافته است.**

*** اقتصاددانان دیگر مهاجرت را جریانی مفید برای حل مسئله تقاضای در حال رشد شهرها برای نیروی کار نمی‌دانند.**

متوسط درآمد روستایی بیشتر باشد که کارگران را به مهاجرت از مناطق مسکونیشان ترغیب کند. در هر حال فرض می‌شود در سطح ثابت مزد شهری عرضه نیروی کار روستایی کاملاً با کشش است. در این الگو جریان توسعه اقتصادی با افزایش تقاضای کالاهای صنعتی آغاز میشود. افزایش تقاضا برای کالاهای صنعتی، توسعه صنعت را ایجاد می‌کند و این فرایند باعث جذب بیکاران کشاورزی می‌شود. پرداخت مزد کم به باقیمانده کارگران کشاورزی باعث می‌شود مزد کارگران صنعتی هم در سطح پائین تعیین شود و صاحبان صنایع سود سرشاری می‌برند و تشکیل

آهنگ ایجاد مشاغل شهری فزونی یافته و تا حدود زیادی از جذب مؤثر کارگران جدید فراتر رفته و امکان جذب این نیروها از بین رفته است. اقتصاددانان دیگر مهاجرت را جریانی مفید برای حل مسئله تقاضای در حال رشد شهرها برای نیروی کار نمی‌دانند. در مورد مدل لویس اگر چه با تجربه تاریخی رشد اقتصادی در غرب مطابقت دارد اما با فرضیاتی همراه است که با عقب ماندگی اکثر کشورهای جهان سوم مغایرت دارد. اولاً مدل بطور تلویحی فرض می‌کند که آهنگ انتقال نیروی کار و ایجاد شغل در بخش شهری متناسب با آهنگ تراکم سرمایه شهری است و

فرض غیر واقعی دیگر در فرضیه لویس، تصور ثابت ماندن مزدهای واقعی شهری است که گویا تا نقطه اتمام عرضه نیروی کار روستایی ادامه مییابد در حالی که یکی از خصوصیات کشورهای در حال توسعه گرایش مزدها به افزایش، حتی با وجود بیکاری آشکار مییابد.

اگر این فرضیه را قبول کنیم که نیروی کار فراوان با مزد ثابت، از بخش کشاورزی به صنعت حرکت می‌کند و موجبات رشد صنعت را فراهم می‌آورد. براحتی می‌توان توضیح داد که چرا مرحله جهش در توسعه اقتصادی بحد توقف می‌رسد! توضیح اینکه علت به حد توقف رسیدن مرحله

جهش، تمام شدن نیروی کار اضافی کشاورزی است و پس از آن جذب نیروی کار کشاورزی توسط صنعت بدون افزایش مزدها ممکن نخواهد بود.

نکته ای دیگر که در نظریه مورد توجه قرار نگرفته از این قرار است که مزد کارگران کشاورزی افزایش می‌یابد و اداره کنندگان کشاورزی ناچار به استفاده از ماشین و تکنولوژی در کشاورزی می‌شوند نکته دیگر اینکه استراتژی صنعتی شدن مناطق شهری با استفاده از نیروی کار ارزان مهاجران روستایی و همچنین بسیاری از کشورهای جهان سوم صرفه نظر از بی‌عدالتیهای اجتماعی و غیره، وابستگیهای اقتصادی را نیز کمتر نکرده است.

نتیجه:

۱- در کشورهای پیشرفته صنعتی مهاجرت اغلب معلول انقلاب صنعتی و توسعه بخش صنعت بوده در نتیجه این جابجایی جمعیتی، با توسعه اقتصادی این کشورها همراه بوده است در حالیکه در کشورهای جهان سوم این پدیده بیشتر معلول ورشکستگی بخش کشاورزی و اقتصاد روستایی و اجرای سیاستهای تقلیدی و بدون توجه به اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و تاریخی این کشورها می‌باشد.

لذا مدل توسعه ای می‌تواند در این کشورها موفق باشد که در جهت بسیج استعداد های بالقوه انسانی با توجه به شرایط این کشورها بطور اعم و ارائه راه حلها در جهت رفع مشکلات کشاورزی و زندگی روستایی (تواماً) و با در نظر گرفتن همه ابعاد توسعه حرکت نماید.

۲- توسعه اجتماعی - اقتصادی در کشورهای جهان سوم، لزوماً از ناحیه تخریب و یا تحلیل و یا فراموشی روستاها و تقویت بنیه اقتصادی شهرها صورت نمی‌گیرد.

۳- رابطه علت و معلولی بین ساختار سالم اقتصادی و ایجاد شهرهای بزرگ و تضعیف موقعیت روستاها وجود ندارد.

۴- تخریب و عدم توجه به روستاها و زندگی اجتماعی روستائیان، سبب تقویت بنیه و سلامت اقتصادی کشورها خصوصاً در جهان سوم نشده است.

۵- جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی به شهرها (در جهان سوم)، ارتقاء سطح زندگی همه

*** در کشورهای پیشرفته صنعتی مهاجرت اغلب معلول انقلاب صنعتی و توسعه بخش صنعت بوده در نتیجه این جابجایی جمعیتی، با توسعه اقتصادی این کشورها همراه بوده است در حالیکه در کشورهای جهان سوم این پدیده بیشتر معلول ورشکستگی بخش کشاورزی و اقتصاد روستایی و اجرای سیاستهای تقلیدی می‌باشد.**

*** توسعه اجتماعی - اقتصادی در کشورهای جهان سوم، لزوماً از ناحیه تخریب و یا تحلیل و یا فراموشی روستاها و تقویت اقتصادی شهرها صورت نمی‌گیرد.**

*** آنچه هم اکنون بلحاظ اجتماعی - اقتصادی در کشورهای جهان سوم می‌گذرد قبل از اینکه معلول یک سیاست هدفدار توسعه باشد بیشتر ناشی از اعمال سیاستهای مقطعی و بدون توجه به بافت اجتماعی - اقتصادی این کشورها بوده است.**

*** استراتژی توسعه که بر مبنای قطبهای رشد صنعتی و یا توسعه بخش صنعتی در مقابل کشاورزی و یا منحصراً، توسعه بخش کشاورزی استوار است. نه تنها در راستای توسعه روستایی قرار ندادند بلکه سبب تحلیل موجودیت روستاها نیز می‌شود.**

مهاجران را بدنبال نداشته است.

۶- یک بعدنگری در دیدگاه مکانی توسعه که همت به ایجاد شهرهای بزرگ و فراموشی روستاها را در پی دارد تمرکز بخش و حلال مشکلات در جهان سوم نبوده است. بلکه نگرش صحیح توجه به روستا در کنار شهر و به شهر در کنار روستا، در بستر یک برنامه جامع اجتماعی - اقتصادی، متناسب با شرایط کشورهای جهان سوم

تمرکز بخش خواهد بود.

۷- آنچه هم اکنون بلحاظ اجتماعی - اقتصادی در کشورهای جهان سوم می‌گذرد قبل از اینکه معلول یک سیاست هدفدار توسعه باشد بیشتر ناشی از اعمال سیاستهای مقطعی و بدون توجه به بافت اجتماعی - اقتصادی این کشورها بوده است. لذا تغییر ساختار فعلی اقتصادی کشورهای جهان سوم از جمله ضروریات و مقدمات یک برنامه توسعه می‌باشد که نگرش به روستا بعنوان مکانی که زمینه سالم تلفیق عوامل تولید را می‌تواند فراهم سازد، نقش عامل مهمی را در تغییر ساختار اقتصادی کشور ایفا خواهد نمود.

بنابراین توسعه روستایی نه یک هدف نهایی در برنامه توسعه ملی می‌باشد که یک هدف استراتژیک در فرایند توسعه بوده و در روند رشد خویش تعادلهای مطلوب را بین بخشهای مختلف اقتصادی از یک سو و قطبهای جمعیتی از سوی دیگر ایجاد می‌نماید. و در چنین موقعیتی زمینه تحقق اهداف اجتماعی - اقتصادی توسعه فراهم آمده است.

۲- توسعه کشاورزی در برابر توسعه صنعتی بدنبال مطالبی که پیرامون مهاجرت و توسعه در بالا اشاره شد، نظریات دیگری که در واقع همان هدف را دنبال میکند به شکل بخشی نیز مطرح شده است. صرف نظر از اینکه توسعه روستایی، اقتصاد روستایی را پوششی بر اقتصاد کشاورزی دانسته و تنوع فعالیتهای اقتصادی را در روستا توصیه می‌نماید. در بررسی نتایج اعمال نظریه توسعه کشاورزی که در برابر توسعه صنعتی و از دیدگاه بخشی طراحی شده است، در کشورهای جهان سوم، به سیاست توسعه شهری خواهیم رسید. لذا نگرشی هر چند کوتاه به دلائل و توجیحات این نظریه، مفید خواهد بود. بحث پیرامون اولویت بخش کشاورزی یا بخش صنعت موضوع جدیدی نیست این موضوع در طی دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ موضوع اصلی توسعه بود. کشورهای توسعه یافته به بهانه اینکه کشورهای در حال توسعه دچار کمبود مواد غذایی هستند و با افزایش جمعیت این کمبود تشدید می‌شود اولویت را به کشاورزی دادند. منطبق آنها در مقدم نمودن کشاورزی تقریباً چنین بود: ۷

اکثریت مردم کشورهای در حال توسعه به کشاورزی و فعالیتهای مربوط به آن اشتغال دارند



موفق نبوده است.

بنابراین استراتژی توسعه که بر مبنای قطبهای رشد صنعتی و یا توسعه بخش صنعتی در مقابل کشاورزی و یا منحصراً توسعه بخش کشاورزی استوار است، نه تنها در راستای توسعه روستایی قرار ندارد بلکه سبب تحلیل موجودیت روستاها نیز می شود.

لذا در این بررسی مختصر، این نتیجه قابل حصول بود که عمدتاً کلیت توسعه روستایی مورد بی توجهی تئورسین های توسعه در گذشته بوده است و این را شاید بتوان ناشی از شناختن جوامع کشورهای جهان سوم و یا در حال توسعه دانست.

(ادامه دارد)

زیرنویس

۱- تولید نهائی، تغییرات تولید کل به تغییرات نهاده تعریف شده است $(mp = \frac{\Delta TP}{\Delta X})$ و به عبارت دیگر، میزان تولیدی که با افزایش آخرین عامل تولیدی (مثلاً نیروی کار) به تولید کل اضافه می شود.

۲- با کشش بودن یعنی تغییرات کمی در مزد روستائیان سبب افزایش زیادی برای تقاضای کار در شهرها میشود.

۳- مایکل تودارو - ترجمه دکتر فرجادی - توسعه اقتصادی در جهان سوم (وزارت برنامه و بودجه)

۴ - کیندل برگر - ترجمه رضا صدوقی - توسعه اقتصادی - (مدرسه عالی بازرگانی سابق)

اتر تبعیت از شیوه تولید و مصرف کشورهای صنعتی ممکنست اقتصاد روستا رو به رکود رود، اما مسلماً در شهرها تحرک پدید می آید و شهرنشینی هم مبداء رشد اقتصاد کشور است و رابعاً توسعه کشاورزی خود اساساً مستلزم دسترسی به محصولات صنعتی چون کودشیمیائی و ماشینهای کشاورزی است و برای بالا بردن کارائی کشاورزی ناچار باید اول صنعت را توسعه بخشید. اینان تصور می کردند صنعتی شدن نمی تواند متفاوت از راهی باشد که کشورهای صنعتی پیموده اند.

در اینجا نظریات فوق که عمدتاً با عنایت به رشد بخشهای اقتصادی طراحی شده، واقعیتی را فراموش نموده اند، که کشورهای جهان سوم پس از اجرای سیاستهای توسعه دهه ۱۹۶۰ به بعد، دچار آن گردیدند. مشکلات ناشی از بزرگ شدن بیش از حد شهرها، در مقابل تخریب روستاها و تحلیل ظرفیتهای تولیدی روستائی، نتایج مستقیم اعمال سیاستهای رشد بخشی بوده است.

هر چند سیاست توسعه کشاورزی هم مورد توجه قرار می گرفته است اما به علت عدم نگرش واقعی به مسائل و مشکلات اجتماعی - اقتصادی تولید کنندگان این بخش، و به عبارت دقیق تر، بعلت عدم توجه اساسی به مشکلات و نارسائی های جامعه انسانی تولید کنندگان بخش کشاورزی، حتی سیاستهای توسعه کشاورزی نیز

لذا برای فعالیتهای کشاورزی آمادگی بهتری را دارا هستند سرمایه گذاری بیشتر برای ازدیاد بازدهی در این بخش طبیعتاً منجر به افزایش درآمد اکثریت مردم خواهد شد. افزون بر این، چنین امری باعث صرفه جویی و افزایش ذخیره ارز خارجی که میتواند صرف توسعه بخشهای دیگر گردد، می شود. کمکهای خارجی نیز می تواند دانش فنی وسایر ملزومات را جهت افزایش محصولات کشاورزی فراهم آورد تجربه کشورهای توسعه یافته نیز دلالت بر این دارند که توسعه کشاورزی، ناگزیر مقدم بر توسعه صنعتی است. اکثریت عظیمی از مردم کشورهای جهان سوم نیز طی دهه ۱۹۷۰ شاهد تحول قابل ملاحظه ای در طرز تلقی اقتصاددانان نسبت به توسعه بودند، تحولی که بر حسب آن عده بسیاری توسعه کشاورزی را امر ناگزیر توسعه ملی دانستند.

در مقابل این، نظریه دیگری اولویت را به صنعتی شدن می دهد:

استدلالاتی اینان بطور خلاصه از این قرار است، اولاً چون کشورهای توسعه یافته عموماً صنعتی هستند پس راه رسیدن به توسعه اقتصادی صنعتی شدن است. ثانیاً بازدهی کار در صنعت بالا تر از کشاورزی است، ثالثاً صنعتی شدن دارای مزایای ضمنی (از قبیل توسعه ارتباطات، توسعه آموزشی و غیره) است ولی توسعه کشاورزی این خواص را ندارد. می گویند درست است که بر